

# دود کودتا در فضای ایران

## (قسمت سوم)

### دومین برداشت تحقیقی

امیر فیض- حقوقدان

دومین برداشتی که از تحقیق «دود کودتا در فضای سیاسی ایران»<sup>۱</sup> در پیشخوان این تحریر قرارداد شرکت مستقیم تافته جدا بافته در مسائل هسته ای ایران و حراست و توجه کامل به منافع غرب و آمریکا در توقف برنامه هسته ای ایران است.

برای اتصال این تحریر با تحریر قبل بجاست که شهادتی که فارین پالیسی بعنوان یک پنجره داده است یکباردیگر به اینجا آورده شود.

[اگر پنجره ای برای اطلاع یافتن از چگونگی تفکر روحانی وجود داشته باشد و اینکه چه رویکردی بر پرونده هسته ای ایران خواهد داشت آن پنجره به همان چند روز ماه می باز میشود که روحانی گفتگوی مهمی با آمریکایی ها بر سرگروگان ها و آینده مشترک دو کشور داشته است]

### پنجره را باز و نگاه میکنیم

به بیان شاهد که مقامی سیاسی و مطبوعاتی و مسلط به جریانان سیاسی خارجی است، از پنجره همان یکی دو ملاقات محرمانه روحانی و مک فارلین میتوان رسید به:

الف - طرز تفکر روحانی.

ب- رویکردی که روحانی نسبت به پرونده هسته ای ایران خواهد داشت.

این تحقیق سعی خواهد کرد که در مدار دستاوردهای ملاقات محرمانه روحانی و مک فارلین گفتگو هانی داشته باشد.

### الف - طرز تفکر روحانی

استنباط از شهادت شهود و قرائن متصف به آن چنین است که تفکر روحانی نزدیکی به آمریکا و رهبری میانه روهای ایران است که سخت با آمریکا پیمان سیاسی و برادری و خدماتی! دارند.

ثبوت آنچه اعلام شد امروز چندان اهمیت ندارد زیرا خود روحانی هم بارها به آن اشاره کرده است ولی اهمیت آن آنجاست که ریشه تفکر روحانی تنها به کار سیاسی وصل نیست که بحث منافع ملی را محمول گردد بلکه متضمن شقوق و اقداماتی است که بکل پرونده منافع ملی را قابل گشودن نمیسازد.

## قرائنی که برداشت بالا را محقق میسازد

\* در ۱۳ مهرماه سال ۸۲ روحانی بعنوان مسئول ارشد پرونده هسته ای ایران انتخاب میشود.

(این خود قابل بررسی است که چگونه روحانی واجد این صلاحیت شناخته شده است. کسیکه مقام مشاورت درسیاست خارجی داشته یعنی اگرسیاست خارجی جمهوری اسلامی نیازبه مشورتی داشت از او استفاده میکند و بین امرمشاوره درامورسیاسی ومسائل انرژی هسته ای هیچ رابطه علمی وفنی وجود ندارد، چگونه وچراشیخ حسن به مقام مسئول ارشد پرونده هسته ای ایران منصوب میشود؟

درنگاه بدقت ازپنجره مزبور سایه هانی رامیتوان دید که پس از ملاقات محرمانه بین شیخ حسن ومک کالین درمدت دوسال زمینه صعود شیخ حسن به مقام مسئول ارشد مسئله هسته ای ایران فراهم شده است)

این زمان که دوران اصلاحات معرفی وقدرت حکومت دراختیار اصلاح طلبان که همان میانه روهاست قرار داشته، رئیس جمهورکشورخاتمی است که خاتمی یکی از اضلاع مثلثی است که ضلع دیگر آن رفسنجانی است و بشرحی که درتحریرقبل استناد به شهادت شاهد شد >شیخ حسن روحانی وردست وزیرسایه رفسنجانی قراردارد< پس مثلث فعالیت هسته ای ایران دراختیارسه نفررفسنجانی وخاتمی و روحانی بوده است.

باری پنجره میگوید درشرائطی که قدرت حکومت کاملا دراختیارمیانه روها قراردارد حسن روحانی هم درمقام مسئول ارشد پرونده هسته ای ایران مشغول بکارمیشود.

## مشغول بکار یعنی چه

اینجاست که باید به سراغ پنجره موصوف برویم تا به بینیم که مقصود ازکارروحانی چیست.

بطورکلی کاروکیفیت آن رابطه مستقیم با تفکرصاحب کاردارد. مهمترین موضوع درماجرای مسئولیت روحانی درمذاکرات هسته ای شناخت صاحب کاراست؟ بظاهر چنین است که صاحب کاردولت جمهوری اسلامی بنمایندگی مردم ازطریق مجلس است ولی روال کارروحانی هیچ نشانی ازاین رابطه ندارد بلکه گواهی است ازاینکه یا فعالیت هسته ای ایران ملک طلق خود روحانی وارث پدرش است ویا اینکه روحانی عمله ای است که خواست ومنویات آمریکا وکشورهای آلمان وانگلیس وفرانسه را درمورد فعالیت هسته ای ایران پیاده واجرا میکند.

## کیفیت کارروحانی

\* روحانی در ۱۳ مهرماه سال ۱۳۸۲ درمقام مسئول ارشد پرونده هسته ای ایران دردولت خاتمی جای گرفت کمتر ازدو هفته بعد ازرسیدن به مقام مزبور دردیداربا البرادعی درتهران که دبیر آژانس بین المللی بود، آمادگی خودرا برای امضای پروتکل الحاقی اعلام کرد.

تحریرحاضر اگر درمورد امضای پروتکل الحاقی توضیح وسابقه ای از آن نیاورد نمیتوان اهمیت اقدام خودسرانه روحانی رادرجهت خواست کشورهای طرف منازعه هسته ای نشان دهد.

## اشاره ای فشرده به لایحه پروتکل الحاقی

لایحه پروتکل الحاقی طرحی است که اختیارات آژانس را در بازدید از فعالیت های هسته ای کشورها خیلی وسیع و سرنزده میکند.

امضای لایحه الحاقی برای کشورهای عضو آژانس (ایران هم عضو آژانس است) اجباری نیست و اختیاری است و امضای آنهم بامجلس است >درخواست آژانس برای امضای لایحه الحاقی به پروتکل آژانس از مدتها قبل جریان داشته و آژانس میخواهد ایران را برای تصویب و اجرای پروتکل الحاقی زیر فشار بگذارد.< ( دکتر صادق ربانی متخصص مسائل حقوقی هسته ای)

بسیاری از کشورها که پروتکل آژانس اتمی را امضا کرده و عضو آژانس هستند پروتکل الحاقی را امضا نکرده اند و اختیاراتی را که آژانس در لایحه پروتکل الحاقی میخواهد مغایر امنیت ملی کشورشان میدانند.

## اشاراتی از سیر اهمیت لایحه الحاقی

\* لایحه الحاقی که کمتر از دو هفته بعد از اشغال پست مسنول ارشد فعالیت هسته ای ایران از طرف روحانی امضا شد (مهرماه ۱۳۸۲) تاکنون که سال ۱۳۹۳ است به امضای مجلس نرسیده یعنی مجلس با آن موافق نیست.

\* دولت خاتمی با آنکه یکی از پایه های وصلت اتمی با غرب است جرات ارائه امضای روحانی را نسبت به لایحه الحاقی به مجلس نداشت و لایحه در زمان اوبه مجلس نرفت.

\* به اظهارات چند نفر از نمایندگان مجلس اسلامی در رابطه با لایحه الحاقی استناد میشود.

۱- علی لاریجانی از توافق روحانی با کشورهای اروپایی و امضای لایحه الحاقی به عبارت >دادن مروارید و گرفتن آبنبات< یاد کرد.

۲- حسین نجابت، نماینده دیگر مجلس اسلامی گفته است قطعا مجلس لایحه الحاقی را نخواهد پذیرفت.

۳- کوهن نماینده دیگر گفته است دولت و یا نماینده دولت حق ندارد لایحه را امضا کند و یا قول امضا بدهد این از حقوق مسلم مجلس است.

۴- منصور حقیقت پور نماینده رئیس امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس پذیرش لایحه الحاقی را از طرف هیئت مذاکره کننده مردود دانسته است.

\* در مجلس ششم یکی از جنجالی ترین موضوعات همین موافقت و یا مخالفت با امضای لایحه الحاقی بود این جریان چنان اثر گذار شد که در انتخابات دوره هفتم کسانی که موافق تصویب لایحه الحاقی بودند بوسیله شورای نگهبان رد صلاحیت شدند.

## خود داوری بفرمائید

موضوعی به این مهمی که ۹ سال است مجلس آنرا تصویب نکرده و مواجهه با این دسته بندی های پارلمانی شده است و از نظر حقوقی هم امضای آن از سوی ایران الزامی نبوده و نیست و تنها فشار دولتهای خارجی

برای رفع نگرانی اسرائیل و حفظ اقتدار کشورهای اروپایی و آمریکا بر ایران است، آیا امضای آن از طرف تافته جدا بافته (حسن روحانی) ظرف کمتر از دو هفته یک امر غیر متعارف، که تعارف آن متوجه خدمتگذاری شیخ حسن برای آمریکا و اروپاست منظور شدنی نیست؟ و آیا از دریچه ای که فارین پالیسی گشوده است حقیقت ماموریت شیخ حسن از سوی مک فارلین و ادامه آن تاکنون دوازده دواوری است؟

## قرارداد سعد آباد

موضوع امضا و اعلام موافقت با لایحه الحاقی یک امر اداری و یا خصوصی نبود روز ۲۹ مهر ماه ۸۲ یعنی در همان دو هفته اول، روحانی از وزرائ خارج آلمان و فرانسه و انگلیس دعوت به تهران کرد و در سعد آباد قراردادی را با وزرای آن کشورها امضا کرد که ضمن تائید لایحه الحاقی تمام فعالیت های هسته ای ایران از غنی سازی اورانیوم و باز فرآوری معلق ساخت و اعلام داشت که لایحه الحاقی راهم ایران داوطلبانه امضا میکند و کرد و در همان قرارداد ایران متعهد شد که تا ۲۹ آبان همان سال ۸۲ قرارداد الحاقی رابه تصویب مجلس برساند.

خواننده محترم که در مقام دواوری دعوت شده اید؛ آیا میدانید که وزرای خارج انگلیس و آلمان و فرانسه که به سعد آباد دعوت و قرارداد سعد آباد را امضا و فعالیت هسته ای ایران را بکل متوقف ساخته اند و ایران را هم متعهد به امضای لایحه الحاقی ساخته اند در ازای موافقت ایران چه به ایران داده اند؟

لطفا با دقت و تفکر بخوانید تا در مقام دواوری، وجدانی سربلند داشته باشید.

در مقابل این بخششهای از کیسه خلیفه بوسیله تافته جدا بافته کشورهای اروپایی طرف قرارداد سعد آباد موافقت کردند که حق ایران را برای دستیابی و استفاده از انرژی هسته ای برای مقاصد صلح آمیز برسمت بشناسند <

یعنی حقی را که ایران با قبول عضویت آژانس بمناسبت صراحت در پروتکل آژانس داشت و دارد، کشورهای طرف قرارداد برسمیت شناختند، به عبارت دیگر حقی که بموجب عهدنامه بین المللی آژانس برای همه اعضای آژانس از جمله ایران رسمیت دارد وزرای خارج کشورهای طرف قرارداد، قبول کردند که همان حق را برای ایران برسمیت بشناسند.

در تمثیل همانند آن است که باربری بارهای شمارا حمل کند و در پایان بجای دستمزد به او بگوئید لباسی که بتن دارید مال شما باشد.

بطور حتم آن باربر معنای این حرف بی معنا را خواهد فهمید ولی بظاهر شیخ حسن آنرا نفهمیده و بدون مقاومت و یا چانه زدن قبول کرده!

عرض شد بظاهر زیرا:

همانطور که یک باربر معنای آن تعارف بی معنار را میفهمد و مقاومت میکند وزیر بار آن نمیرود تا دستمزد مناسب خود را دریافت کند؛ محال و ممتنع است که مشاور ارشد سیاست خارجی جمهوری اسلامی و مسئول ارشد مذاکرات هسته ای جمهوری اسلامی که و مدعی است درس حقوق راهم گرفته معنای آن تعبیر پوچ وزرای خارج کشورهای اروپایی را نفهمد و یا نفهمیده باشد، ولی اگر سکوتی کرده و مقاومتی نشان نداده

برای این است که اصولاً در خدمت به بیگانه چیزی که برای عمله خدمت مطرح است رضایت بیگانه است نه منافع کشور خود و حتی نه آبروی شخص عمله.

روحانی همان زمان که عنوان تافته جدابافته را از مک کالین گرفت و کالین از پیدا کردن او رقص سیاسی خود را بنمایش در آورد، در ماهیت به این معنا بود که کسی رایافته است که نه به منافع کشورش و نه به آبرو و شرف خودش اهمیت میدهد و فقط بر رضایت مک کالین و آمریکا اهمیت میدهد.

یادمان باشد که بمناسبت همین قرارداد سعد آباد بود که علی لاریجانی در مجلس موضوع «مروارید و آبنبات» را عنوان کرد.

موضوعی که خود در چپه ای از تحقیق میتواند محسوب شود، این است که اسناد تحقیق نشان میدهد که شیخ حسن هیچگاه نه قبل و نه بعد از امضا لایحه الحاقی موضوع رانه به مجلس برد و نه به موقعیت مجلس نسبت به تصویب لایحه الحاقی اعتنائی نشان داد، این حقیقت نشان میدهد که دید روحانی نسبت به فعالیت هسته ای ایران تعلق به ملت و ایران ندارد و الا بروی مجلس پل بی اعتنائی نمیزد بلکه همانطور که در قسمتهای قبلی این تحریر آمد چیزی که برای روحانی حائز اهمیت و برجستگی خاص خود را نشان میداد رضایت کشورهای طرف ایران در مسئله هسته ای بوده است.

داوری بفرمائید در مقابل تعلیق و یا توقف فعالیت های هسته ای ایران در قرارداد سعد آباد و هدر رفتن میلیارد دلار هزینه های انجام شده که تاکنون هیچ مقامی حاضر به اعلام هزینه های مزبور نشده و از طرفی امضای داوطلبانه لایحه الحاقی از سوی شیخ حسن، و آن عوض بی معنای مسخره وزیرای خارجی که تمامی ازمشهودات عیان ازینجره شاهد است، آیا سایه کم رنگی از تلاش برای حفظ منافع ایران می بینید؟

## دفاع شیخ حسن

شیخ حسن مدعی است که امضای لایحه الحاقی سبب شد که آمریکا از فکر حمله نظامی به ایران منصرف شود و از این مقوله از ملت ایران طلبکار هم شده است.

ادعای شیخ حسن بی پایه و بکل مردود است به بخشی از دلایل ابطال این ادعا اشاره لازم است.

- \* در زمان امضای لایحه الحاقی و قرارداد سعد آباد، موضوع فعالیت هسته ای ایران نه به شورای امنیت رفته بود و نه آمریکا وارد مسئله شده بود، بنابراین ارتباط دادن حمله احتمالی آمریکا به ایران در رابطه با فعالیت های هسته ای ایران ارتباطی بی اعتبار و ناموزون است.
- \* حمله نظامی آمریکا به عراق در شرایطی صورت گرفت که آمریکا آن شرایط را در عراق بوجود آورده بود از جمله:

- ۱- عراق بمدت ۱۳ سال تحت شدیدترین تحریم های شورای امنیت قرار داشت به کیفیتی که تا آن زمان هیچ تحریمی به سختی و فراگیری تحریم عراق از سوی شورای امنیت صادر نشده بود عراق قبل از تحریم روزانه ۲/۵ میلیون نفت صادر میکرد که تحریم ها آنرا متوقف ساخت؛ آنقدر گرسنگی و بیماری در عراق عمومیت یافت که شورای امنیت ناچار به ایجاد تسهیلاتی برای تحریم ها شد.
- ۲- پس از اخراج قوای عراق از کویت سه استان اربیل و سلیمانیه و هوک از ۱۸ استان عراق خودمختار شدند و کمر عراق شکسته شد.

۳- بلافاصله پس از تخلیه کویت از قوای عراق، شورای امنیت سازمان ملل بموجب قطعنامه ۶۸۷ عراق را خلع سلاح کرد حتی موشک های با برد ۱۵۰ کیلومتر را هم زیر نظر متخصصین سازمان ملل پیاده کرد.

۴- عراق در زمان تحریم ها با ممنوعیت پرواز در ۷۰٪ از خاک کشورش روبرو شد و هنگام حمله عراق اصلا فاقد نیروی هوایی نبود و آنچه هم که داشت برای رهائی از نابودی به ایران فرستاد.

۵- آمریکا برای حمله به عراق حدود ۶ ماه به انتقال نیرو به کویت مبادرت کرد و بهانه آمریکا هم این بود که برای جلوگیری از حمله مجدد عراق به کویت تمرکز نیروی نظامی میکند.

۶- در عراق وحدت ملی و مذهبی وجود نداشت و در ایران آنطور که جمهوری اسلامی مدعی است وحدت ملی و مذهبی وجود دارد و به اعتبار همین وحدت است که میگوید آمریکا نمیتواند هیچ غلطی بکند.

هیچیک از شرایط بالا برای جمهوری اسلامی بهنگام امضای پروتکل الحاقی وجود نداشته است و هیچ کشوری بدون زمینه سازی های لازم که نمونه هائی از آن اشاره شد و بدون تحصیل تفاهم های بین المللی و موافقت های قانونی و گزارشات اطلاعاتی که تضمین کننده عملیات نظامی کشور مهاجم و ستون پنجم فعال در کشور مورد تهاجم باشد دست به اقدام نظامی نمیزند.

اگر به ادعای شیخ حسن، آمریکا قصد تجاوز نظامی به ایران را داشت بطور حتم مراتب مقدماتی آنرا از نظرامکانات نظامی و زمینه های حقوق بین الملل و نیز تحصیل موافقت کنگره و غیره را فراهم میکرد، در این صورت و ادعای اینکه آمریکا بغلت امضای لایحه الحاقی از سوی شیخ حسن آنهم امضائی که پشتیبانی ارزش حقوقی نداشته (بدون تصویب مجلس) از حمله به ایران منصرف شد یک ادعای کودکانه و قدری هم نزدیک به جنون است.

حکیم مولوی بیتی دارد که گفتگوی در این باب را کوتاه میسازد.

عذر احمق را نمی باید شنید      مرغ بیوقتی سرت باید برید



به امید ادامه این تحقیق؛

سخن بی قرار ما گوید      در چنین مختصر کجا گنجم